

## استراتژی و مبانی تاکتیک های ما در مبارزه با جمهوری اسلامی

۱- سازمان ما برای آترناتیو سوسیالیستی در برابر جمهوری اسلامی مبارزه می کند. جایگزینی جمهوری اسلامی با خود حکومتی اکثریت استثمار شونده و مزد و حقوق بگیر، استراتژی ما در مبارزه با جمهوری اسلامی است.

۲- ما با یک دولت سرمایه داری در شکل استبداد دینی و با تهاجم جهانی نئو لیبرالیسم رو به روئیم. استراتژی ما برای سرنگونی چنین رژیم و سد کردن آترناتیوهای لیبرالی و برای مقاومت در برابر هجوم نئولیبرالیسم جهانی، بسیج، تشکل و تجهیز نیروی اجتماعی سوسیالیسم یعنی طبقات مزد و حقوق بگیر، زحمتکش، بیکاران و تهیدستان در راستای خود رهانی و تأسیس حکومت دموکراتیک خودشان است. متحدین درجه اول این نیرو در سرنگونی جمهوری اسلامی، گرایشات برابری خواه و گرایشات ضد نئولیبرالیسم اقتصادی در جنبش های اجتماعی نظیر جنبش های زنان؛ محیط زیست، ملی و جوانان اند.

۳- مبارزه از امروز برای سوسیالیسم به این معنا نیست که ضرورتاً ما شرایط و موازنه نیروها را هم اکنون برای تحقق آترناتیو سوسیالیستی در برابر جمهوری اسلامی مساعد ارزیابی می کنیم؛ بلکه به این معناست که این استراتژی مستقیماً و بلافاصل در دستور است و ما بر آنیم که مبارزه سوسیالیستی کارگران و زحمتکش با استبداد و برای آزادی های سیاسی و حقوق شهروندی در پیوند با مبارزه طبقاتی شان، به بستر شکل گیری آترناتیو سوسیالیستی از دل این مبارزه و جایگزینی جمهوری اسلامی با چنین آترناتیوی تبدیل شود.

۴- ما تلاش برای تغییر شرایط نامساعد و موازنه قوا به سود آترناتیو سوسیالیستی در برابر جمهوری اسلامی را وظیفه نامشروط همین امروز و محتوا و هدف تاکتیک های خود تلقی می کنیم - صرفنظر از این که این تلاش تا مقطع سرنگونی جمهوری اسلامی به نتیجه مورد نظر ما برسد یا نه.

۵- تاکتیک محوری ما در سرنگونی جمهوری اسلامی، شکل گیری یک جنبش دموکراتیک و ضد نئو لیبرالیسم اقتصادی از جنبش های اجتماعی موجود در اتحاد با قطب ضد سرمایه داری طرفدار دموکراسی مشارکتی و برابری است.

هدف عمومی تاکتیک های ما تغییر موازنه قوا به سود این قطب در برابر استبداد حاکم و همه آترناتیوهای رقیب اش - از فاشیست تا دموکرات و از سلطنت طلب تا جمهوری خواه - است.

۶- مشارکت فعال کارگران و زحمتکش در مبارزه عمومی علیه استبداد و برای آزادی های سیاسی و شهروندی، به شرطی می تواند بخشی حیاتی و چشم پوشی ناپذیر از مبارزه طبقاتی و پیکار آنان برای دموکراسی سیاسی و رهانی باشد که مداخله آنان در این مبارزه عمومی، با صف مستقل و از موضع طبقاتی خودشان و نه همچون متحد و همراه و حامی جریانات بورژوائی صورت بگیرد.

۷- مداخله سوسیالیستی ما در مبارزات میان طبقات دیگر باید برای دامن زدن به تعارضات و شکاف های درونی آن ها به قصد هرچه ضعیف تر و منزوی تر کردن موقعیت و نفوذ جریانات، سیاست ها و افکار ضد سوسیالیستی

و ضد کارگری؛ تلاش برای سوق دادن گرایش‌ها و عناصر مستعد - اگر وجود داشته باشند - به گرویدن به مواضع دموکراتیک، مترقی و سوسیالیستی، بدون تبدیل شدن ما به حامی هیچ طبقه و حزب و جریان و شخصیتی در برابر مرتجع تر یا عقب مانده تر از خودش باشد. دخالتگری سوسیالیستی در مبارزه درونی طبقات دیگر با آن نوع دخالتگری که ما را - یا طبقه کارگر را - به حمایتگر یکی از طرفین دعوا تبدیل کند، ذاتاً در تضاد است. این مداخله اگر مداخله ای باشد که هریک از طرفین دعوا را در برابر طبقه کارگر تقویت کند و به ضعف مبارزه طبقاتی آن و یا برهم خوردن موازنه بین طبقات دیگر به زیان آلترناتیو کارگری کمک کند، یا کارگران را به حامی و دنباله‌چهره هر جریانی - هر اندازه دموکرات و مترقی - تبدیل کند، مداخله ای از موضع مبارزه طبقاتی کارگران، مداخله ای سوسیالیستی نخواهد بود.

۸- همکاری و ائتلاف موقت با نیروهای غیر طرفدار سوسیالیسم در جریان مبارزه عمومی دموکراتیک و ضد استبدادی تنها در مواردی موضوعیت دارد که به تقویت مواضع کارگران و زحمتکشان یا به گشایشی در مبارزه طبقاتی آنان کمک کند. مضمون تاکتیک‌های ما در همکاری با جریان‌ها غیر سوسیالیست باید تضعیف استبداد و از این طریق، خدمت به تسهیل مبارزه اردوی کار و زحمت برای سرنگونی رژیم و تسخیر قدرت سیاسی توسط این نیرو باشد و نه به هیچوجه تقویت قطب بورژوازی دمکرات بجای اردوی کارگران و زحمتکشان در برابر رژیم.

۹- در پیکار برای دموکراسی و سرنگونی استبداد، وظیفه ما بسیج و سازماندهی نیروی اجتماعی و طبقاتی خودمان است و تلاش مان باید این باشد که قلعه استبداد با به میدان آمدن این نیرو و قرار گرفتن اش در صف اول پیکار عمومی برای دموکراسی ویران شود. ما هیچ وظیفه ای در ایجاد یا تقویت یا حمایت از بلوک‌ها و جبهه‌های فراطبقاتی در برابر جمهوری اسلامی نداریم. ضمن این که برای تضعیف استبداد و تسهیل مبارزه اردوی کار برای برپائی خود حکومتی‌شان، می‌توانیم تحت شرائطی از جنبش‌های ضد استبدادی دموکراتیک غیر طرفدار سوسیالیسم هم بهره بگیریم.

۱۰- شکاف فاجعه بار میان مبارزه برای آزادی و مبارزه برای نان در برابر جمهوری اسلامی - که از عوامل اساسی بفای رژیم است - تنها از طریق پیوند مبارزه دموکراتیک دانشجویان و روشنفکران با جنبش‌های مطالباتی کارگران و زحمتکشان تأمین نمی‌شود. این شکاف اساساً از فرا رفتن مبارزات مزد و حقوق بگیران و زحمتکشان از مطالبات صنفی و اقتصادی‌شان به مبارزات سیاسی ناشی شده است و برای بر طرف شدن این شکاف، مبارزه برای آزادی و دموکراسی، باید درونی‌ی مبارزه مزد و حقوق بگیران و زحمتکشان بشود؛ و این تنها از طریق ارتقاء مبارزات صنفی و مطالباتی آنان به سطح سیاسی امکان پذیر است. ما، هم به منظور از میان رفتن شکاف میان مبارزه برای آزادی و مبارزه برای نان، در جهت سیاسی شدن جنبش مزد و حقوق بگیران و زحمت کشان پرچمدار شدن این نیرو در مبارزه برای دموکراسی تلاش می‌کنیم؛ و هم به منظور ایجاد یک نهضت عمومی برای محاصره رژیم در ابعاد ملی؛ تضعیف قدرت سرکوب و حکومت ناپذیر کردن کشور برای حاکمان، از اتصال و پیوند جنبش دموکراتیک ضد استبدادی و جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی استقبال می‌کنیم. اگر چه پیوند مبارزه برای نان و مبارزه برای آزادی در درون جنبش کارگری برای ما اولویت استراتژیک دارد، اما هیچ یک از این دو سطح پیوند، جای دیگری را پر نمی‌کنند و نباید در برابر هم فرار داده شوند.